

سوم: شمارش سطرهای نوشته بچه ها فتنی خاص دارد که من نمی توانم در اینجا درباره آن توضیح دهم. سطرهای هر نامه به روی خاص شمرده می شود.

چهارم: بچه ها همیشه درباره مسائل جدی نامه می نویسند، مطالبی کاملاً مربوط به زندگی. بنابراین، نوشته های آنها نباید به کارهای بی مزه ای که معمولاً در زندگی بزرگترها وجود دارد، ارتباط داده شود.

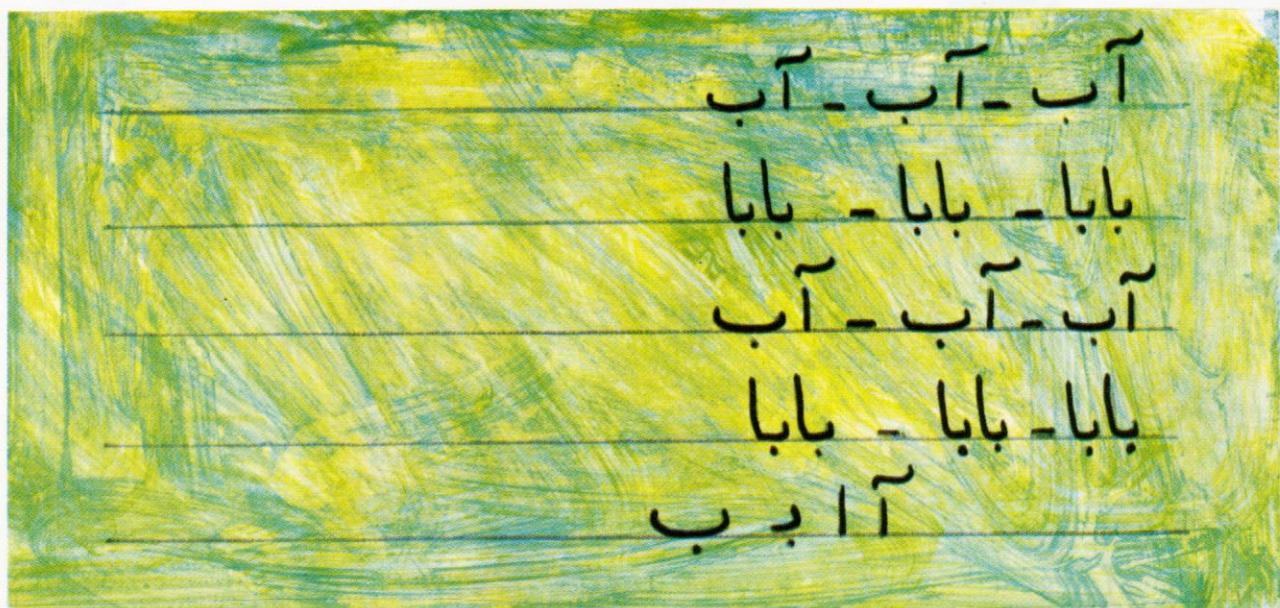
پنجم: هر سطر از نوشته بچه ها در همان جای خودش معنی دارد. جمله ای که امروز نوشته می شود، فردا معنی دیگری دارد. حتی نوشته ای در پایین صفحه، معنایی متفاوت با معنی همان نوشته در بالای صفحه دارد. این را بچه ها می دانند، ولی بزرگترها، معمولاً نمی دانند.

ششم: در نوشته های بچه ها سطرهایی سفید گذاشته شده است در لایه لای این نوشته ها، یعنی در این سفیدیها، بچه ها حرفهایی زده اند که بزرگترها، بیشتر از آنها غفلت می کنند و نوشته های سپید را جدی نمی گیرند. به این خاطر بزرگترها کمتر می توانند نامه بچه ها را بخوانند و بفهمند.

زینب اولین نامه خودش را وقتی نوشت که چند ماه پس از آن چهار سال تمام از سن او می گذشت. او حالا به مدرسه می رود و چند کلاس هم درس خوانده است. حالا دیگر، مثل بزرگترها، از راست به چپ و خیلی مرتب، روی خط می نویسد.

این اولین مشق اوست. دقت کنید. هم از راست به چپ و هم یک خط در میان و مرتب نوشته است. او فقط دو کلمه نوشته است:

آب بابا



بعد هم حرفهایی را که آب و بابا از آنها درست شده است، جداجدا، به هر دو صورتی
که در نوشته به کار می‌رود، نوشته است:

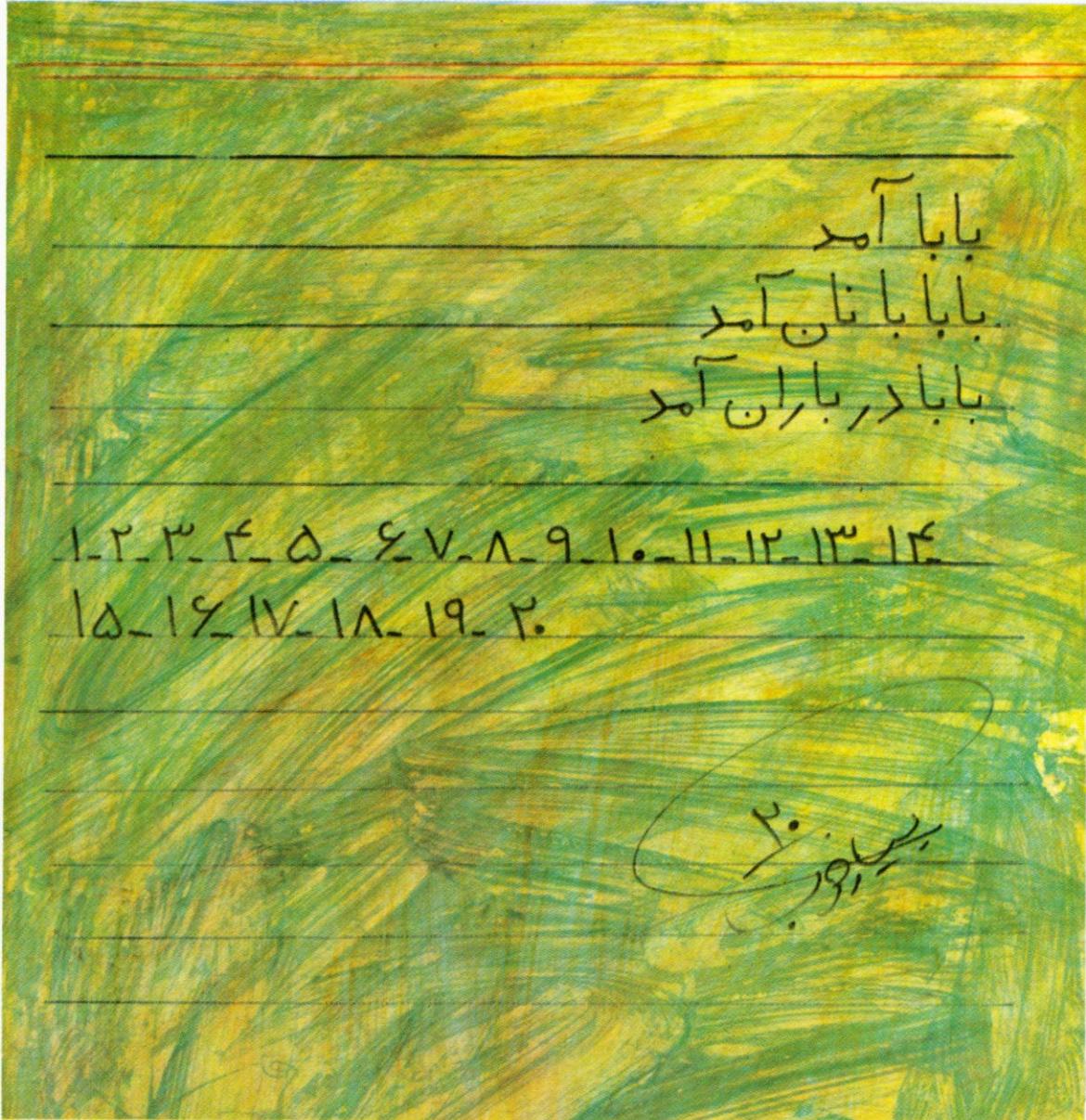
- | | |
|------------|------------|
| آ (آی اول) | ا (آی آخر) |
| ب (ب بزرگ) | ب (ب کوچک) |

او این مشق را از روی صفحه ۱۱ کتاب فارسی کلاس اول نوشته است. اما او نوشته‌های
قبلی خود را از روی چیزی نمی‌نوشت. چشمش را می‌بینست، یک نگاه به دلش می‌انداخت،
هر چه آنجا می‌دید می‌نوشت.



این هم صفحه‌ای دیگر از مشق کلاس اول اوست. همان طور که می‌بینند، خیلی مرتب است و از نظمی پیروی می‌کند که همه بچه‌ها کلاس اول قسم خورده‌اند که به آن پابیند بمانند.

در این نوشته، همان طور که می‌بینید، چند کلمه معین تکرار شده است. اقا نامه‌های او حد و مرزی نداشت. درباره همه چیز بود. برای نوشتن نامه‌اش از همه رنگ‌ها استفاده می‌کرد. هر مطلب را با خط مخصوص به خودش می‌نوشت. تکرار هم نداشت و معلوم هم بود که آن را یک نَفَس نوشته است.



اگر در این مشق عدد بزرگتر از ۲۰ وجود ندارد، نامه‌های او پر از عددهای بزرگ بزرگ بود. دنیا عدد کوچکی بود که گاه به گاه قبل از درازی دوتا دست کشیده که برای در آغوش کشیدن باز می‌شد، به کار می‌رفت.



زینب، حالا دیگر، هر وقت که بخواهد چیزی بنویسد که هم خودش آن را بخواند و هم دیگران، مثل بقیه می‌نویسد. هر وقت هم که بخواهد فقط من و خودش آن نوشته را بخوانیم، به همان خط قبلی می‌نویسد.

اما از وقتی که به مدرسه رفته است، دیگر به خوبی نمی‌تواند از خط قبلی استفاده کند. حالا دیگر حتی نمی‌تواند یکی از نامه‌های قبلی خودش را به طور کامل بخواند. در آخرین نامه‌ای که فرستاد، به خط دوران کودکی، پیامی برایم نوشت. من سعی کردم نامه‌اش را درست بخوانم و ببینم اوچه می‌خواهد بگوید. اما اگر شما هم خوب دقت کنید،

دست نویسندگی شنید.
من کلاس سوم همیشه با شیخ روزه ام. یادبود ای که شیخ را ای تبلیغ ام
فرستاده بودید خیلی خوب لود. هشتادم.
اها در یاره ایتله نوشته لود بده از چند وقت پیش لذت نامه‌های
دویم من به دست شیخ می‌رسید تهران خطا و رسیم من تلوده اید،

باشه بلوک آن من به دستی منتظر شنیده ام. بر علیم، معلم من
خیلی از من راضی است. هر روز نزد ای خوبی بیم و زیره هم

آنهاست اما همچنانه غافله ام. به زودی به کلاس بالاتر می‌روم.
من نزاعم با پدرها هم نه مقاومه هارا بخواهم. پسر و مادرم نیاز نداشتم
هستم و من هم هیاش درس می‌خواهم من هم دیگر رانجی های مدرسه
به طرف باع لود می‌روم. البته ما همی من گرسنه خواهد نداشت، بولن
نایی کچک های بزرگ می‌کنند و تویی آنکه می‌برند مال همها همیز است
پارسی همی من نیز از این پهنان تکمله کاهی خیلی تیران ماهی خودم
خیلی نیزم. البته کچک های آن را نمی‌دانم از زندگ است. اما یک هاله روی آن

آنکه می‌باشد دوست را کسان نمی‌دهد:
واسطه را بخواهید، من هم هرا هم شنیدم، دلی خوب بخی شنید.
ان شاعر ایمیاز هم فوج باشید و برازی من نامه بنویسید

زینب

می بینید که او کمی اشتباه نوشته است. باید علاوه بر یک خط فاصله (—)، دو تا نقطه پشت سر هم (..) و یک علامت جمع (+) که خودش نوشته بود، آی بی کلاه (ا) می نوشت و به جای کلاه یک علامت ضربدر (×) بالای سرش می گذاشت. بعد هم دور همه آنها سه ردیف خط می کشید و آن وقت آرام روی همه شان را با خط سخ کمنگ خط خطی می کرد.

اما اینکه این

به چه معنی است.

من قول داده ام راز

بچه ها را به بزرگترها نگویم. این را فقط من و بچه ها می دانیم یعنی چه.



بچه های عزیز

- اگر این کتاب در دسترس شما قرار گرفت، نتیجه همکاری بسیاری از دوستداران شما بود. مؤسسه زیتون وظیفه خود می داند از آنها تشکر کند.
- خانم انصاری و خانم قربل ایاغ؛ از استاد دانشکده علوم تربیتی.
 - آقای کریمی و آقای ابو محیوب؛ از فرهنگستان کشور.
 - آقای جهانشاهی و خانم میرهادی؛ از اعضای شورای کتاب کودک.
 - آقای طوفانی و آقای دادگر؛ از کانون پژوهش فکری کودکان و نوجوانان.
 - آقای بهمن پور، آقای موسوی، آقای کاشانیان، آقای محمد پورو و آقای قنبری؛ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 - آقای جوهری، آقای نادری، آقای امام بخش و آقای هوسى؛ از لیتوگرافی جوهری.
 - آقای نجفی، آقای جابریان، آقای کریمی و آقای کریمیان؛ از چاپخانه اورامان.
 - آقای جدائی؛ از صحافی اورامان.

زیتون

مؤسسه تولید و توزیع مواد و ابزار آموزشی

رسته

سالنامه علمی و تحقیقی مواد و ایندراهای آبگردانی

قیمت برای مصرف کننده عمومی ۵۵ تومان
قیمت برای کتابخانه های عمومی ۴۵ تومان